

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

بازگشت پیکر خلبان قهرمان سوخو ۲۴ به میهن

روز گذشته پیکر مطهر شهیدامیر سرتیپ دوم خلبان مجید کاظمی، یکی از قهرمانان جنگنده سوخو ۲۴ ایرانی، وارد پایگاه هوایی شهید لشگری در شهر تهران شد و در مراسمی رسمی، مورد استقبال فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از جمله امیر سرتیپ علی اکبر طالبزاده، جانشین فرمانده نیروی هوایی ارتش، قرار گرفت. در یازدهم اسفند ماه سال گذشته، ۲ فروند بمب افکن سوخو ۲۴ نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به حملات وحشیانه و ناجوانمردانه ارتش تروریستی آمریکا و رژیم کودککش صهیونی، در عملیاتی متهورانه، از پایگاه هوایی شهید دوران شیراز برخاستند و پس از عبور از سد سامانه‌های شناسایی پیشرفته و مواضع راداری متعدد دشمنان، اقدام به بمباران پایگاه العدید قطر، متعلق به نیروهای آمریکایی، کردند.

۲



۷



تدابیر رهبر شهید
تاب‌آوری حکمرانی کشور
را افزایش داد

۲

جنگ طلب
و آشوبگر

۳



از افسانه شکاف ترامپ - ونس تا
واقعیت اتاق فرمان واحد

امیر شهشهرانی
روزنامه‌نگار

صفحه ۴

اقتصادی

ابرپرونده ۲۸ هزار میلیارد تومانی کروز

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد در حالی که بسیاری از تولیدکنندگان برای دریافت تسهیلات با مشکل مواجه‌اند، شرکت کروز ده‌ها هزار میلیارد تومان تسهیلات و تعهدات بانکی در اختیار دارد.

صفحه ۵

اقتصادی

تکرار سناریوی تاریک دهه ۹۰ در دولت چهاردهم

اعلام خروج ساخت نیروگاه از دستور کار دولت چهاردهم، نگرانی‌ها درباره تکرار سیاست‌هایی را افزایش داده که به اعتقاد منتقدان، نقش مهمی در تشدید ناترازی برق و بحران خاموشی‌های سال‌های اخیر داشته‌اند.

انتشار تصویر مشترک دونالد ترامپ، جی‌دی ونس و بنیامین نتانیاهو در کاخ سفید، فارغ از هر آنچه در جلسات پشت درهای بسته میان آنان گذشته باشد، یک پیام روشن و غیرقابل انکار دارد؛ پروژه‌ای که طی ماه‌های اخیر تلاش می‌کرد میان اضلاع اصلی مثلث واشنگتن - تل‌آویو - شکاف راهبردی ترسیم کند، بیش از آنکه ریشه در واقعیت داشته باشد، محصول خطای محاسباتی و خوش بینی مزمن جریانی است که همچنان با عینک برجام و غرب‌گرایی به تحولات آمریکا و اسرائیل می‌نگرد. تأسف بارز آنکه این برداشت به لایه‌هایی از ساختار دیپلماسی و تصمیم‌سازی سیاست خارجی ایران نیز رسوخ کرده است.

متن کامل در صفحه ۷

در شرایطی که عدم حضور رئیس مجلس در جلسات پارلمان بحث برانگیز شده است، شورای هماهنگی مجلس در غیاب نمایندگان ملت تشکیل جلسه داد

بدعت پشت بدعت

به حاشیه رفتن سایر نمایندگان مجلس نیز حائز اهمیت و در سابقه تاریخی مجلس نیز موارد مشابهی دارد.

روز سه شنبه ۶ مرداد جلسه شورای هماهنگی مجلس با حضور قالیباف برگزار شد. موضوعی که در خصوص مبنای قانونی تشکیل این جلسه و همچنین



امیرحسین درکی

روزنامه نگار

جدای از ابهامات قانونی پیرامون دو شورایی که مورد اشاره قرار گرفت. شایان ذکر است که موارد متعدد دیگری نیز از اعمال سلیقه و بدعت گذاری از سوی رئیس مجلس نیز در سابقه تاریخی مجلس نیز هک شده است. از جمله «بدعت در تصویب لایحه ی تجارت» که در نوع خود بسیار عجیب است. لایحه تجارت از جمله مصوبات ماه های آخر دوره ی قبلی مجلس (فروردین ماه ۱۴۰۳) بود که فرایندهای قانونی را طی کرد و در «صحن علنی مجلس» نیز تصویب شد. و قاعدتاً و براساس اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی مصوبه ی صحن علنی باید جهت اظهار نظر نهایی به شورای نگهبان ارسال می شد. اما مصوبه ی صحن علنی مجلس در این مرحله مسکوت ماند. ظاهراً رئیس مجلس به سلیقه ی خود و توصیه ی برخی ها مصوبه ی رسمی صحن علنی را تاکنون مسکوت گذاشته است. قابل ذکر است که این اولین بار در تاریخ نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است که مصوبه ی رسمی صحن علنی مجلس به اراده ی رئیس مجلس و مصلحت سنجی های دیگر کلاً به شورای نگهبان ارسال نمی شود و در مرحله این مسکوت مانده است.

رادیو و تلویزیون و با حضور اصحاب رسانه بوده است که در دو جلسه اخیر صحن مجازی این امر محقق نشد و با ۲۴ ساعت تاخیر پخش شد. البته مشابه «شورای هماهنگی مجلس» مواردی دیگری نیز طی سال های اخیر، از جمله «شورای سران قوا» ابداع و به وجود آمده است که رکن و مبنای آن با قانون اساسی هماهنگی ندارد و اساساً در این فرآیند ۲۷۶ نماینده مجلس به حاشیه خواهند رفت و آثار آن را میتوان در موضوعات حیاتی و گره خورده به معیشت مردم مشاهده کرد. از جمله اینکه اخیراً مطابق اعلام و ادعای خبرگزاری خبرآنلاین؛ «دولت توانسته برای افزایش قیمت بنزین به ۱۰ هزار تومان، موافقت سران قوا را کسب کند و در صورت نهایی شدن این مصوبه، احتمال این تصمیم از مردادماه اجرایی خواهد شد؛ البته که دولت همچنان در حال کار برای این اقدام است.» موضوعی که به معنای زیرسوال بردن هویت و سلب نظرخواهی از نمایندگان مردم است. به عبارت دیگر در چنین موضوعات مهمی که نظریکایک نمایندگان مهم است، این پرسش مطرح می شود که با چه مبنای موجهی فقط باید نظر یک نماینده (قالیباف) دخیل در تصمیم گیری باشد؟!

بعد از جلسه حضوری و علنی ۲۲ تیرماه، چندین جلسه به صورت حضوری و مجازی برگزار شد. اما نکته مهم جلسات اخیر، تشکیل جلسه ای تحت عنوان «شورای هماهنگی مجلس» بود که در نوع خود نوآوری است و در خصوص قانونی بودن تشکیل آن نیز ابهاماتی وجود دارد. به گفته یکی از نمایندگان مجلس به نوبت یاد: مبنای تشکیل این جلسه سلیقه شخصی رئیس مجلس است. البته نقد قابل توجه دیگری که به «جلسه شورای هماهنگی مجلس با محوریت رئیس مجلس» وارد است. موضوع کنار رفتن ۲۷۶ نماینده ملت از رکن فرآیند تصمیم گیری هاست. موضوعی که در میانه تعطیلی ۵ ماهه مجلس بشدت احساس شد و به نظر می رسد این موضوع هنوز به صورت کامل حل نشده است.

همچنین چند جلسه دیگر تحت عنوان علنی به صورت مجازی برگزار شد که با انتقاداتی همراه بود. از جمله انتقادات وارده، عدم پخش زنده جلسات به صورت زنده و توأم با حضور اصحاب رسانه بود. به طوری که رویه چند ده سال اخیر جلسات علنی مجلس به صورت پخش زنده از

دیدار اعضای دفتر حفظ و نشر رهبر شهید با خانواده شهید حاجی زاده

جمعی از اعضای دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب، روز گذشته سه شنبه ۶ مرداد، با حضور در منزل شهید سرلشکر امیرعلی حاجی زاده، فرمانده فقیه نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با خانواده معظم ایشان دیدار گفتگو کردند.

نیلی: محواسرائیل، رمز وحدت امت است

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی در حساب کاربری خود نوشت: ادامه جنگ وجودی و مبارزه مستقیم و مقتدرانه ایران عزیز با ارتش رژیم غاصب و کودک کش صهیونی، راه جلوگیری از فتنه هایی شبیه داعش در عراق و شامات و لبنان است. وقتی ما با اسرائیل و آمریکا، مجاهدانه می جنگیم، افکار عمومی در عالم اسلامی متوجه نفاق و وابستگی امثال جولانی و اردوغان و... شده، به آن جریانات، بهما و میدان نمی دهند و تازه بالعکس، امید و گرایش قلبی و عملی مسلمانان و آزادگان جهان بسوی گفتمان مقاومت و انقلاب اسلامی و مکتب اهل بیت علیهم السلام، فزونی مضاعف می باید. محواسرائیل رمز وحدت اقت اسلام و امری قریب الوقوع است. تردید و تسویف نباید کرد.

اسماعیلی: سعودی ها منتظر سیلی سخت مقاومت باشند

وزیر فرهنگ و ارشاد دولت شهید رئیسی در حساب کاربری خود نوشت: همدستی سعودی ها با شیطان بزرگ در حمله به مقاومت اسلامی عراق و کربلای معلی در ایام اربعین، یادآور وحشی گری تاریخی این نامسلمان ها در حمله به عتبات عالیات است. منتظر سیلی سخت مقاومت باشید.

سپاه: سه نفتکش متخلف مورد اصابت قرار گرفته و متوقف شدند

روز گذشته فرماندهی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مورد اصابت قرار گرفتن سه نفتکش متخلف و متوقف شدن آنها خبر داد. در اطلاعیه سپاه خطاب به مردم مومن ایران آمده است: فرزندان غیور شما در نیروی دریایی سپاه، ضمن استمرار اعمال مدیریت کامل بر تنگه هرمز، همچنان از امانت شما ملت مومن و بیدار ایران اسلامی پاسداری می کنند. در بخشی دیگر از این بیانیه آمده است: سه نفتکش متخلف که بی توجه به اخطارهای ما، به حرکت در مسیر ناامن و غیرقانونی ادامه می دادند مورد اصابت قرار گرفته و متوقف شدند. نیروی دریایی سپاه بار دیگر اخطار می کند، مداخلات و امر و نهی های غیرقانونی ارتش کودک کش آمریکا به شناورها در منطقه بی پاسخ نخواهد ماند.

رستمی: جز با زور و قدرت نمی توانیم حق خودمان بگیریم

روز گذشته حجت الاسلام والمسلمین مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها در حاشیه دیدار با خانواده شهید با بیان اینکه بی اعتمادی به آمریکا کاملاً عقلی، مبتنی بر تدبیر و منطقی است، افزود: مذاکره با این موجودیت خبیث همواره با بدبینی و احتمال عدم موفقیت همراه است. وی با اشاره به قاعده کلی تصمیمات، تصریح کرد: موضوع مذاکره و سایر تصمیمات باید بر اساس یک قاعده کلی قرار گیرد و آن قاعده، حفظ منافع ملی و حرکت و تدبیر و برنامه ریزی برای حل مشکلات کشور و پیروزی در میدان های رقابت و مبارزات با دشمن است. وی همچنین با اشاره به توانمندی های نظامی کشور، گفت: بر اساس قاعده کلی و آنچه تا به حال تجربه شده، مقاومت، ایستادگی، معارضة و بیرون راندن اشغالگران و بیگانگان از مسیر نظامی، در دستور کار رزمندگان قرار دارد. رزمندگان نشان داده اند که در این موضوع هم مهارت دارند و هم توانمندی. رستمی در پایان تأکید کرد: قاعده کلی این است که از این دشمنان پیمان شکن به جز با زور نمی توانیم حق خود را بگیریم. اما اگر از موضع قدرت و دفاع از منافع، مسیری غیر از منازعه و ایستادگی نظامی پیش بینی شود، آن نیز تحت همان قاعده کلی تأمین منافع ملت قرار خواهد گرفت.

قهرمان

بازگشت پیکر خلبان قهرمان سوخو ۲۴ به میهن



روز گذشته پیکر مطهر شهیدامیر سرتیپ دوم خلبان مجید کاظمی، یکی از قهرمانان جنگنده سوخو ۲۴ ایرانی، وارد پایگاه هوایی شهید لشگری در شهر تهران شد و در مراسمی رسمی، مورد استقبال فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از جمله امیر سرتیپ علی اکبر طالبزاده، جانشین فرمانده نیروی هوایی ارتش، قرار گرفت. در یازدهم اسفند ماه سال گذشته، ۲ فروند بمب افکن سوخو ۲۴ نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به حملات وحشیانه و ناجوانمردانه ارتش تروریستی آمریکا و رژیم کودک کش صهیونی، در عملیاتی متهورانه، از پایگاه هوایی شهید دوران شیراز برخاستند و پس از عبور از سد سامانه های شناسایی پیشرفته و مواضع راداری متعدد دشمنان، اقدام به بمباران پایگاه العدید قطر، متعلق به نیروهای آمریکایی، کردند. در جریان این حمله، خسارات سنگینی به این پایگاه وارد آمد اما عقاب های آسمان ایران، در مسیر بازگشت، بر فراز خلیج فارس مورد اصابت سامانه های پدافند دشمن قرار گرفتند و از آن زمان تا کنون، تلاش ها، برای احراز وضعیت خلبانان شجاع این جنگنده ها، ادامه دارد. همچنین مراسم تشییع پیکر مطهر شهیدامیر سرتیپ دوم خلبان کاظمی

در روزهای پنجشنبه و جمعه در شهر شیراز، با حضور مقامات، فرماندهان و مردم قدرشناس ایران اسلامی، برگزار خواهد شد و جزئیات مراسم تشییع پیکر مطهر شهیدامیر سرتیپ دوم خلبان کاظمی در شیراز، بدین شرح است: ورود پیکر شهید: چهارشنبه، ساعت ۱۴ در باند فرودگاه شهید دوران؛ استقبال رسمی: پنجشنبه، ساعت ۸ صبح در درب اول پایگاه شهید دوران؛ مراسم وداع: پنجشنبه، ساعت ۲۰ در میدان امام حسین (ع)؛ مراسم نماز و تشییع: روز جمعه پس از اقامه نماز جمعه در مصلا نماز جمعه شیراز.

یادداشت

علم توحیدی

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی
معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم

معروف است که جناب ابن سینا، زمانی که در حل مسئله‌ای علمی درمانده بود و با وجود مطالعه مکرر ده‌ها باره کتب مرتبط، گره‌ای از آن نمی‌گشود، به خلوت می‌رفت، نماز می‌خواند و از خداوند رحمان مدد می‌جست؛ آنگاه مسئله برایش آشکار می‌شد. همین رویکرد بود که او را به تأثیرگذارترین چهره تاریخ در حوزه طب تبدیل کرد.

این روزها در احوالات سه دانشمند شهید و پیشرو در سه حوزه راهبردی پس از انقلاب اسلامی تأمل می‌کردم؛ دانشمندانی که قدرت امروز ایران مرهون تلاش‌های آنهاست و توانستند دشمن را در عرصه‌های کلیدی به عقب برانند:

• شهید فخری‌زاده در فیزیک هسته‌ای،

• شهید تهرانی مقدم در موشکی،

• شهید کاظمی آشتیانی در حوزه سلول‌های بنیادی.

هر سه شهید اگر می‌خواستند از مسیرهای معمول جهانی به این قله‌های علم و فناوری دست یابند، حتی عمر چند نسل نیز برای رسیدن به چنین توفیقاتی کافی نبود. نکته مشترک آنها این بود که پیش از دانشمند بودن، عارف بالله بودند؛ نگاهی توحیدی قوی و حالتی از فناء فی‌للو داشتند. همین ویژگی دست‌شان را برای یاری دین خدا و حرم الهی (ایران) پر کرد. شاید اگر امروز در سایر عرصه‌ها - اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... - با نقص‌های فراوان روبه‌رو هستیم، ریشه در این داشته باشد که قلب‌مان را کاملاً در اختیار خدا گذاشته‌ایم؛ حال آنکه: «وَمَا جَعَلَهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»

خبر کوتاه

انهدام چهار هسته عملیاتی
گروهک‌های تروریستی

وزارت اطلاعات از انهدام ۴ هسته‌ی عملیاتی گروهک تروریستی - تکفیری و بازداشت ۱۵ تروریست در جنوب شرق خبر داد. این تروریست‌های وابسته به سرویس‌های جاسوسی دشمن آمریکایی - صهیونی هنگام ورود به کشور شناسایی و پیش از هرگونه اقدام علیه زیرساخت‌های اقتصادی، خدماتی و قضایی در شهرستان‌های زاهدان، چابهار، ایرانشهر، خاش و تفتان، نیکشهر و قصرقند همراه با مقادیری مهمات و چند قبضه سلاح کلاشینکف، شناسایی و بازداشت شدند. پیش از این هم چهار تیم تروریستی دیگر در نیمه اول تیرماه در کمین سربازان گمنام امام‌زمان (عج) و حافظان امنیت استان گرفتار شده بودند که به هلاکت دو تن و دستگیری ده نفر دیگر منجر شده بود. وزارت اطلاعات از مردم خواسته هرگونه موارد مشکوک را در اولین زمان ممکن به ستاد خبری وزارت اطلاعات به شماره تماس ۱۱۳ یا درگاه‌های رسمی این وزارتخانه، در پیام‌رسان‌های ایتا، بله، روبیکا و سروش پلاس به آدرس @vajia113 (با تیک آبی) گزارش کنند.

ثبت نام بیش از ۲ میلیون و ۳۵۰ هزار
زائر در سامانه سماح برای اربعین

رئیس ستاد مرکزی اربعین با بیان اینکه تاکنون بیش از ۲ میلیون و ۳۵۰ هزار نفر در سامانه سماح ثبت نام کرده‌اند، گفت: همه افرادی که قصد تشریف به این سفر را دارند، باید به صورت الزامی در سامانه سماح ثبت نام کنند.

تدابیر رهبر شهید تاب‌آوری حکمرانی کشور را افزایش داد



محمد مخبر، دستیار و مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی با حضور در منزل سرلشکر شهید عزیز نصیرزاده، وزیر شهید دفاع و

پشتیبانی نیروهای مسلح، با خانواده این شهید والامقام دیدار و گفت‌وگو کرد. مخبر در این دیدار با اشاره به خسارت‌های وارد شده به کشور در جریان حملات اخیر، اظهار داشت: جنایتکاران در این مدت آسیب‌های فراوانی به کشور وارد کردند. دانشمندان ما را به شهادت رساندند، فرماندهان نظامی ما را به شهادت رساندند و عناصری را که در حکمرانی کشور نقش اساسی داشتند، از ما گرفتند. وی افزود: البته خداوند این خسارت‌ها را جبران کرد و خود حضرت آقا نیز با برنامه‌ریزی‌هایی که از قبل انجام داده بودند و چارچوبی که برای اداره نظام کشور طراحی کرده

بودند، تاب‌آوری کشور را در مؤلفه‌های مختلف حکمرانی افزایش دادند. این موضوع کمتر مورد توجه و بحث قرار گرفته است. دستیار و مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی ادامه داد: حضرت آقا کشوری را که در حوادث پیش از انقلاب، با هر اتفاقی دچار آسیب‌های جدی می‌شد؛ چه از دست دادن بخش‌هایی از سرزمین و چه از بین رفتن شمار زیادی از مردم، مانند آنچه در دوره قاجار رخ داد، مدیریت، رهبری و تدبیر کردند و آن را به کشوری تبدیل کردند که امروز در برابر قدرت اول دنیا، با همه تجهیزات و همه اعوان و انصارش، ایستاده است.

اصلاح طلبان تندرو پس از تجویز تسلیم در مقابل آمریکا، حالا پروژه ناامنی را به بهانه مخالفت با اعدام ۲ تروریست کلید زدند

جنگ طلب و
آشوبگر

اصلاح طلبان تندرو یک هفته پس از کرنش در برابر تجاوزطلبی‌های آمریکا، به‌خاطر اعدام دو تروریست کودتای دی‌ماه در اصفهان علیه دستگاه قضایی حمله کردند. این یعنی جریان اصلاحات عملاً و نعل به نعل پیرو فرامین آمریکا و رژیم صهیونیستی شده و پس از ترویج تسلیم طلبی برابر حملات آمریکا، با حمله علیه دستگاه قضایی و حمایت از تروریست‌ها، به دنبال احیای آشوب و فتنه در کشور هستند.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

قضایی نوشت: اعتراضات امروز مردم اصفهان نسبت به اجرای احکام اعدام نشان داد که جامعه نسبت به این موضوع بی تفاوت نیست. این واکنش‌ها، فارغ از تعداد معترضان، بیانگر آن است که بخشی از جامعه دغدغه حق حیات، عدالت و برابری در اجرای قانون را دارد. از همچنین تمایل درونی خود برای احیای آشوب‌ها را

مخفی نکرد و از آتش زیر خاکستر خشم و نارضایتی در بزنگاه‌های اجتماعی به شکلی پرهزینه خبر داد. به دنبال موضع‌گیری رئیس جبهه اصلاحات، حزب تندروی اتحاد ملت هم به میدان آمد و با ادبیاتی نزدیک به رسانه‌های معاند و منافقین نوشت: حزب اتحاد با ابراز نگرانی عمیق نسبت به تداوم روند اعدام‌ها در کشور، تأکید کرد که استمرار این رویکرد به تشدید بحران‌ها و تنش‌های موجود دامن می‌زند و با تعمیق شکاف‌های اجتماعی، تضعیف سرمایه‌ی اجتماعی و افزایش احساس بی‌عدالتی، برداشته‌ی نارضایتی‌های عمومی می‌افزاید. دفتر سیاسی این حزب همچنین مدعی شد: تجربه‌ی سال‌های گذشته نشان داده است تداوم چنین رویکردی، در کنار انباشت نارضایتی‌های اجتماعی، می‌تواند کشور را بار دیگر در معرض بحران‌های امنیتی و آشوب‌های اجتماعی قرار دهد. همچنین دفتر سیاسی همه‌ی شخصیت‌های موثر و نهادهای مدنی را به اعتراض نسبت به این موج ناسازگار با موازین انسانی و دینی و مخمل امنیت ملی فرا می‌خواند

و متأسف است که بی‌توجهی به اصل احتیاط در دماء و حرمت خون انسان‌ها در نظام قضایی، هیچ واکنش اثربخشی را در گروه‌های اثرگذار مانند علمای دین و دانشگاهیانگ بر نمی‌انگیزد!

هر چه ترامپ بگوید!

اعلام موضع اصلاح طلبان علیه اجرای حکم اعدام تروریست‌ها که معنایی جز ابراز تمایل به بازگشت آشوب و ناآرامی‌ها به ایران ندارد، دقیقاً در راستای منویات رئیس‌جمهور تروریست آمریکا برای احیای آشوب‌ها در ایران است که تاکنون بارها توسط او بیان شده است. این دومین خوش خدمتی و دم‌تکانی اصلاح طلبان برای ترامپ است. آنها هفته گذشته عملاً پرچم تسلیم را در مقابل آمریکا بلند کرده بودند. پس از بیانیه محمد خاتمی درباره صلح شرافتمندانه که توسط بسیاری از صاحب‌نظران به عنوان تسلیم بی‌شرافانه تعبیر شد، تعداد قابل توجهی از فعالان سیاسی اصلاح طلب ذیل شعار نه به جنگ، عملاً تسلیم برابر متجاوز به خاک کشور را تجویز کرده بودند.

✓ ابرپرونده ۲۸ هزار میلیارد تومانی کروزر



در روزهایی که تولیدکنندگان کوچک و متوسط کشور برای دریافت تسهیلات سرمایه در گردش چند میلیارد تومانی، پله‌های شعب مختلف بانک‌ها را بالا و پایین می‌کنند و با سد محکم کمبود منابع و سیاست‌های انقباض پولی مواجه می‌شوند، انتشار آمارهای رسمی بانک مرکزی درباره تسهیلات و تعهدات کلان اشخاص مرتبط با شبکه بانکی، تصویر متفاوتی از توزیع منابع در صنعت خودرو را به نمایش گذاشته است. به گزارش تسنیم و براساس داده‌های بانک مرکزی، «شرکت صنایع تولیدی کروزر» به عنوان یکی از بازیگران انحصاری زنجیره تأمین قطعات کشور، ۲۲۰۸ هزار میلیارد تومان تسهیلات و تعهدات جاری و نزدیک به ۵ هزار میلیارد تومان مطالبات غیرجاری (سرسیدگذاشته، معوق و مشکوک‌الوصول) در شبکه بانکی ثبت کرده است؛ یعنی پرونده‌ای به ارزش تقریبی ۲۷۰۸ هزار میلیارد تومان که چالش‌های جدی را درباره عدالت

صنعتی و اعتباری کشور در حالی اجازه تمرکز چنین نقدینگی سنگینی را در یک بنگاه خاص داده که بحران سرمایه در گردش، زنجیره تأمین قطعه‌سازان کوچک و متوسط را به مرز تعطیلی کشانده است. در صورت آزادسازی این حجم از تسهیلات، امکان بازسازی ده‌ها خط تولید فرسوده، خرید ماشین‌آلات مدرن برای نوسازی صنعت قطعه‌سازی، سرعت بخشیدن به پروژه‌های داخلی سازی قطعات با فناوری بالا و تأمین نقدینگی صدها کارگاه قطعه‌سازی فعال فراهم می‌شد تا توازن به زنجیره تأمین کشور بازگردد. در حالی که تولیدکنندگان خرد به دلیل کوچک‌ترین تأخیر در بازپرداخت اقساط با مسدود شدن حساب‌ها و اقدامات تباهی بانک‌ها مواجه می‌شوند، بلا تکلیف مانند بدهی معوق ۵ همت این بنگاه، ضرورت نظارت بر نحوه تخصیص، محل مصرف و سرعت تسویه این منابع عمومی را دوچندان می‌کند.

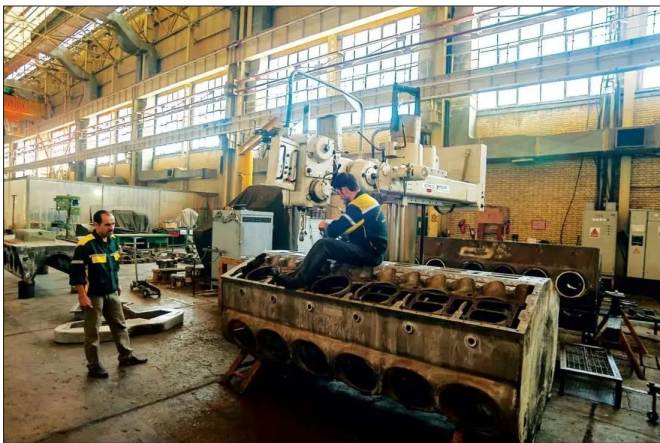
نوبنیاد داده‌های بازار کار بهار را بررسی کرد؛

اشتغال قربانی دوسال سیاست آزادسازی

آمارهای جدید مرکز آمار ایران از بازار کار در بهار امسال، از ریزش ۴۵ هزار نفری شاغلان و جهش نرخ بیکاری به ۹.۱ درصد خبر می‌دهد. در این میان، بخش صنعت با از بین رفتن بیش از ۶۲ هزار شغل، بزرگ‌ترین بازنده بهار امسال بوده است. هم‌زمان، افزایش نزدیک به ۸۰ هزار نفری جمعیت غیرفعال و رشد اشتغال ناقص، نشان می‌دهد که رکود عمیق بخش غیرنقشی، پیش از تنش‌های اخیر، بازار کار را در شرایط سختی قرار داده است.

رکودی با دشواری بیشتری برای ورود به بازار کار مواجه می‌شوند.

رشد بی سابقه جمعیت غیرفعال



حمید کمار روزنامه نگار

شاید مهم‌ترین بخش گزارش مرکز آمار، افزایش شدید جمعیت غیرفعال باشد. جمعیت غیرفعال که شامل افرادی است که نه شاغل هستند و نه در جست‌وجوی کار قرار دارند، از ۳۸ میلیون و ۲۸۷ هزار نفر در بهار سال گذشته به ۳۹ میلیون و ۸۶ هزار نفر در بهار امسال رسیده است؛ یعنی حدود ۷۹۹ هزار نفر به این گروه اضافه شده‌اند. در مقابل، جمعیت فعال اقتصادی تنها حدود ۳۳ هزار نفر افزایش یافته است. این ارقام نشان می‌دهد بخش مهمی از جمعیت در سن کار، به جای ورود به بازار کار، از آن فاصله گرفته‌اند؛ موضوعی که می‌تواند بر نرخ مشارکت اقتصادی نیز اثرگذار باشد.

صنعت؛ بزرگ‌ترین بازنده

آمارهای بخشی نیز تصویر قابل توجهی ارائه می‌کنند. بخش صنعت بیشترین افت اشتغال را تجربه کرده است. تعداد شاغلان این بخش از ۸ میلیون و ۲۶۳ هزار نفر به ۷ میلیون و ۳۹۹ هزار نفر کاهش یافته است؛ یعنی حدود ۶۲۴ هزار شغل صنعتی از بین رفته است. سهم صنعت از کل اشتغال نیز از ۳۳.۸ درصد به ۳۱.۸ درصد رسیده است. در بخش خدمات نیز اشتغال حدود ۱۱۱ هزار نفر کاهش یافته است؛ هرچند سهم این بخش از اشتغال کل از ۵۳.۸ درصد به ۵۳.۴ درصد، تنها اندکی کاهش داشته است. در مقابل، بخش کشاورزی تنها بخشی است که افزایش اشتغال را ثبت کرده است. تعداد شاغلان این بخش حدود ۶۹۸ هزار نفر افزایش یافته و سهم آن از اشتغال کل نیز از ۱۲.۶ درصد به ۱۵.۱ درصد رسیده است.

افزایش بیکاری جوانان و فارغ‌التحصیلان

یکی دیگر از نکات مهم گزارش، افزایش نرخ بیکاری در گروه‌های حساس بازار کار است. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله از ۱۹.۷ درصد به ۲۳.۴ درصد افزایش یافته است. در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال نیز نرخ بیکاری از ۱۴.۵ درصد به ۱۷.۵ درصد رسیده است. همچنین نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی از ۱۰.۴ درصد به ۱۱.۶ درصد افزایش یافته است. افزایش بیکاری در این گروه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا معمولاً جوانان و افراد تحصیل‌کرده نخستین گروه‌هایی هستند که در شرایط

آمارهای جدید مرکز آمار ایران از بازار کار در بهار ۱۴۰۵، تصویری نگران‌کننده از وضعیت اشتغال کشور ترسیم می‌کند؛ تصویری که در آن تقریباً همه شاخص‌های اصلی بازار کار در مسیر نامطلوب حرکت کرده‌اند. تعداد شاغلان نسبت به بهار سال گذشته حدود ۴۵۰ هزار نفر کاهش یافته، شمار بیکاران افزایش پیدا کرده، نرخ بیکاری به ۹.۱ درصد رسیده و در همین حال نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر نیز به جمعیت غیرفعال کشور افزوده شده‌اند. در کنار این تحولات، صنعت بیشترین ضربه را خورده و بیش از ۶۳۰ هزار شغل صنعتی از بین رفته است؛ اتفاقی که هم‌زمان با افزایش قابل توجه اشتغال ناقص، از دشوارتر شدن شرایط تولید و بازار کار در اقتصاد ایران خبر می‌دهد. بازار کار معمولاً یکی از نخستین بخش‌هایی است که آثار رکود، کاهش سرمایه‌گذاری و افت تولید را نشان می‌دهد. گزارش جدید مرکز آمار از تحولات بهار ۱۴۰۵ نیز نشان می‌دهد این بخش با مجموعه‌ای از تغییرات هم‌زمان مواجه شده است؛ از کاهش مشارکت اقتصادی گرفته تا افزایش بیکاری، افت اشتغال صنعتی و رشد اشتغال ناقص. مجموعه این شاخص‌ها حاکی از آن است که بازار کار در نخستین فصل سال، نسبت به مدت مشابه سال گذشته با شرایط دشوارتری روبه‌رو بوده است.

افت اشتغال؛ مهم‌ترین علامت هشدار

براساس آمارهای مرکز آمار، جمعیت شاغل کشور از ۲۴ میلیون و ۶۴۸ هزار نفر در بهار ۱۴۰۴ به ۲۴ میلیون و ۱۹۸ هزار نفر در بهار ۱۴۰۵ کاهش یافته است. به این ترتیب، طی یک سال حدود ۴۵۰ هزار نفر از تعداد شاغلان کشور کاسته شده است. هم‌زمان تعداد بیکاران نیز افزایش یافته است. جمعیت بیکار از یک میلیون و ۹۰۱ هزار نفر به یک میلیون و ۹۹۹ هزار نفر رسیده و نرخ بیکاری نیز از ۷.۳ درصد به ۹.۱ درصد افزایش یافته است. در کنار این موضوع، نرخ مشارکت اقتصادی نیز از ۴۱.۲ درصد به ۴۰.۷ درصد کاهش یافته است؛ موضوعی که نشان می‌دهد علاوه بر کاهش اشتغال، بخشی از جمعیت نیز اساساً از جست‌وجوی کار خارج شده‌اند.

تالار شیشه‌ای

نبض بازار سهام به نفع کوچک‌ها تپید

بازار سهام پس از چند روز روند صعودی، دیروز (چهارشنبه، ۷ مرداد ۱۴۰۵) با برتری فروشندگان منفی شد. معاملات با فشار فروش آغاز به کار کرد، اما در ادامه از شدت عرضه‌ها کاسته شد. همین موضوع سبب شد تا بازار نسبت به ساعات ابتدایی وضعیت بهتری پیدا کند و بخشی از افت شاخص کل بورس جبران شود. در پایان دادوستدها ۴۷۶ نماد (۵۹ درصد) در محدوده مثبت و ۳۳۲ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند که نشان می‌دهد با وجود افت شاخص، بیشتر نمادها عملکرد مثبتی داشته‌اند. سهم حقیقی‌ها از فروش حدود ۷۱.۶ درصد بود و ۲۸.۴ درصد از فروش‌ها مربوط به حقوقی‌ها بوده است؛ در مقابل، ۳۳.۶۲ درصد از خریدها توسط حقوقی‌ها انجام شد. در پایان معاملات، شاخص کل بورس افت ۰.۶۶ درصدی را تجربه کرد و به کانال ۵ میلیون واحد بازگشت، اما شاخص هم‌وزن همچنان در مدار صعودی باقی ماند. شاخص کل بورس در طول هفته جاری نسبت به پایان هفته گذشته ۳.۹ درصد افزایش یافت.

ارزش معاملات خرد دیروز به ۲۷ هزار و ۲۰۳ میلیارد تومان رسید و میانگین ارزش معاملات خرد در هفته جاری ۲۶ هزار و ۸۹۹ میلیارد تومان ثبت شد. تشکیل صف خرید برای ۲۸۵ نماد و ارزش معاملات خرد نشان می‌دهد که نقدشوندگی بازار همچنان بالاست. حقیقی‌ها چهارشنبه ۲۳۳۷ میلیارد تومان پول از بازار سهام خارج کردند، اما در مقابل ۲۱۳۷ میلیارد تومان به صندوق‌های درآمد ثابت وارد شد. بیشترین ورود پول حقیقی به صنایع آهن و فولاد، کانی‌های فلزی و لاستیک و پلاستیک اختصاص پیدا کرد. همچنین گروه‌های پالایشی و پتروشیمی با بیشترین خروج پول حقیقی مواجه شدند. شاخص کل بورس تهران با ۳۳ هزار و ۹۱۹ واحد (۰.۶۶ درصد) افت به ۵ میلیون و ۷۵ هزار و ۸۴ واحد رسید؛ اما شاخص هم‌وزن مثبت ماند و با ۶۱۱۷ واحد (۰.۴۳ درصد) افزایش در محدوده یک میلیون و ۴۳۲ هزار و ۷۲۳ واحد قرار گرفت که نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از نمادهای کوچک و متوسط، عملکرد بهتری نسبت به سهم‌های شاخص‌ساز داشتند. شاخص فرابورس ایران نیز با ۱۰۵ واحد (۰.۲۶ درصد) رشد در ارتفاع ۴۰ هزار و ۹۶۸ واحد ایستاد.

صندوق‌های طلا در محدوده ۱۵ تا ۲ درصد مثبت و نقره‌ای‌ها در محدوده ۰.۵ تا ۲.۲ درصد مثبت دادوستد شدند. صندوق‌های طلا با خروج ۱۹۲ میلیارد تومانی پول حقیقی‌ها مواجه شدند، اما ۵۴ میلیارد تومان به صندوق‌های نقره و اربز شد. معاملات روز گذشته نشان داد که فشار فروش بیشتر در نمادهای بزرگ متمرکز بود و افت شاخص کل را رقم زد. در مقابل، بسیاری از نمادهای کوچک و متوسط معاملات مثبتی را ثبت کردند و شاخص هم‌وزن سبزپوش ماند.

دولت باید برنامه هفتم را دقیق اجرا کند

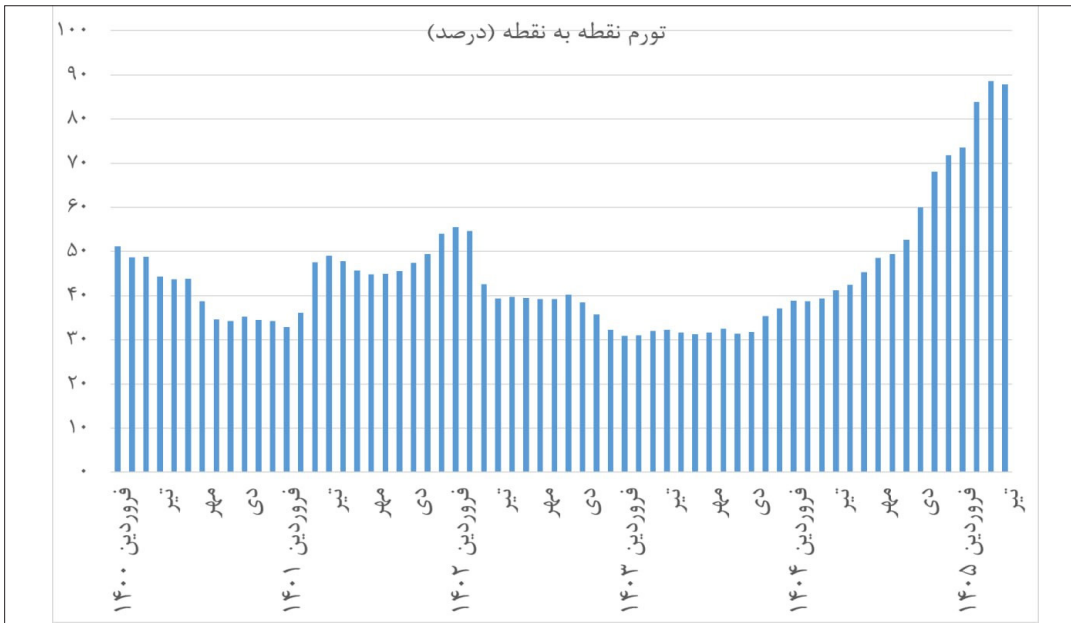
میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، می‌گوید: ایجاد اشتغال پایدار یکی از مهم‌ترین اولویت‌های اقتصاد کشور است که تحقق آن نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، حمایت از تولید و بهبود فضای کسب‌وکار است. هرگونه رشد اقتصادی بدون ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار نمی‌تواند به بهبود معیشت مردم منجر شود؛ بنابراین دولت باید برای محقق شدن این موضوع، قانون برنامه هفتم را موشکافانه اجرایی کند. نقدینگی باید به سمت بخش‌های مولد هدایت شود؛ البته اگر ارکان مختلف دولت پای کار نیایند، چنین موضوعاتی محقق نخواهد شد.

بررسی گزارش بانک مرکزی و مرکز آمار نشان می‌دهد؛

افت شتاب تورم همراه با تداوم گرانی‌ها

طبق گزارش بانک مرکزی و مرکز آمار ایران نرخ تورم در تیرماه امسال همچنان در مسیر صعودی قرار دارد که به ترتیب به ۶۱.۴ و ۶۶ درصد رسیده؛ روندی که نشان می‌دهد با وجود کاهش شتاب تورم ماهانه و افت موقت سرعت افزایش قیمت‌ها

به‌ویژه در بخش خوراکی‌ها، سطح عمومی قیمت‌ها همچنان رو به افزایش است. در این میان، نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه ۹۹.۹ درصدی دهک اول درآمدی، از تداوم فشار سنگین معیشتی بر خانوارهای کم‌درآمد حکایت دارد.



حمید کمار
روزنامه نگار

تورم در تیرماه ۱۴۰۵ بار دیگر وارد مسیر صعودی شد؛ به گونه‌ای که هر دو مرجع آماری کشور از افزایش شاخص‌های تورمی خبر داده‌اند. بر اساس گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم سالانه در تیرماه امسال ۶۱.۴ درصد، تورم نقطه به نقطه به ۸۳.۹ درصد و تورم ماهانه ۳.۴ درصد بود. هم‌زمان، گزارش مرکز آمار نیز نشان می‌دهد که در ماه گذشته، تورم سالانه ۶۶ درصد، تورم نقطه به نقطه به ۸۷.۹ درصد و تورم ماهانه ۳.۱ درصد بوده است. نقطه مشترک میان گزارش دو مرجع آماری، کاهش تورم ماهانه به کانال ۳ درصدی و هم‌زمان، تداوم روند صعودی تورم سالانه است.

سه شاخص اصلی تورم، یعنی تورم ماهانه، نقطه به نقطه و سالانه، هر یک تصویری متفاوت از روند قیمت‌ها در تیرماه ارائه می‌کنند. گزارش تیرماه مرکز آمار و بانک مرکزی نیز از همین الگو پیروی می‌کند؛ از یک سو، سرعت افزایش قیمت‌ها نسبت به خرداد کاهش یافته، اما از سوی دیگر، سطح قیمت‌ها همچنان بسیار بالاست و میانگین تورم یک‌ساله نیز همچنان رو به افزایش است. این موضوع نشان می‌دهد هرچند آهنگ رشد قیمت‌ها کندتر شده، اما فشار تورمی بر خانوارها همچنان ادامه دارد. گزارش‌های تورمی بانک مرکزی و مرکز آمار نشان داد که اگرچه آهنگ افزایش قیمت‌ها نسبت به ماه قبل کاهش یافته، اما مسئله تورم همچنان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران باقی مانده است. هر دو گزارش بر یک نکته مشترک تأکید دارند: تورم ماهانه نسبت به خرداد کاهش یافته، اما تورم سالانه همچنان رو به افزایش است. به بیان دیگر، سرعت گرانی کمتر شده، اما قیمت‌ها همچنان با قدرت در حال افزایش هستند.

کاهش سرعت افزایش قیمت‌ها

مهم‌ترین نکته گزارش تیرماه، کاهش محسوس تورم ماهانه است. بر اساس آمار مرکز آمار، تورم ماهانه کل کشور از ۵.۹ درصد در خرداد به ۳.۱ درصد در تیررسیده است. این کاهش به معنای آن است که قیمت کالاها و خدمات همچنان افزایش یافته‌اند، اما سرعت این افزایش نسبت به ماه قبل کمتر شده است. در مناطق شهری نیز تورم ماهانه از ۵.۸ درصد به ۳.۱ درصد

کاهش یافته و در مناطق روستایی نیز این شاخص از ۶.۶ درصد به ۳.۴ درصد رسیده است. بیشترین کاهش مربوط به گروه خوراکی‌هاست. تورم ماهانه این گروه از ۶.۸ درصد در خرداد به ۲.۵ درصد در تیر رسیده است. در مقابل، تورم ماهانه کالاهای غیرخوراکی و خدمات از ۵.۳ درصد به ۳.۶ درصد کاهش یافته است. مهم‌ترین نکته گزارش بانک مرکزی نیز کاهش محسوس تورم ماهانه است. بر اساس این گزارش، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در تیرماه نسبت به ماه قبل ۳.۶ درصد افزایش یافته است؛ در حالی که این رقم در خرداد ۷.۴ درصد بود. بنابراین، سرعت رشد قیمت‌ها در تیر نسبت به خرداد تقریباً نصف شده است.

تورم سالانه همچنان صعودی

در مقابل کاهش تورم ماهانه، شاخص‌های بلندمدت همچنان روندی افزایشی دارند. بانک مرکزی اعلام کرده است که تورم دوازده‌ماهه منتهی به تیر ۱۴۰۵ به ۶۱.۴ درصد رسیده است. این در حالی است که مرکز آمار، تورم سالانه را ۶۶ درصد برآورد کرده است؛ رقمی که نسبت به ۶۲ درصد خرداد افزایش قابل توجهی نشان می‌دهد. ادامه افزایش تورم سالانه به این معناست که میانگین قیمت کالاها و خدمات در یک سال گذشته همچنان با سرعت زیادی رشد کرده و کاهش مقطعی تورم ماهانه هنوز نتوانسته این روند را معکوس کند.

خوراکی‌ها؛ از صدر تورم ماهانه پایین آمدند

یکی از مهم‌ترین تغییرات تیرماه، کاهش قابل توجه سرعت رشد قیمت مواد غذایی است. بر اساس گزارش بانک مرکزی، گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها که در خرداد بیشترین نقش را در جهش قیمت‌ها داشت، در تیرماه تورم ماهانه‌ای معادل ۱.۸ درصد را ثبت کرد؛ رقمی که به مراتب کمتر از ماه قبل است و نشان می‌دهد فشار افزایشی در این بخش کاهش یافته است. گزارش مرکز آمار هم نشان می‌دهد تورم ماهانه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها که در خرداد ۶.۸ درصد بوده، در تیرماه به ۲.۵ درصد کاهش یافته است. این ارقام نشان می‌دهد کاهش تورم خوراکی‌ها که تا پایان بهار موتور محرک اصلی تورم بودند، عامل مهمی در افت تورم تیرماه بوده است.

کالاها ارزان‌تر از خدمات گران شدند

گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد تفاوت

قابل توجهی میان بازار کالا و خدمات وجود دارد. تورم ماهانه گروه کالاها در تیرماه ۲.۶ درصد بوده، اما در بخش خدمات این رقم به ۵.۱ درصد رسیده است. در خرداد، تورم ماهانه کالاها ۸.۷ درصد و خدمات ۵.۴ درصد بود. مقایسه این ارقام در دو ماه اخیر نشان می‌دهد افت تورم ماهانه در تیرماه، عمدتاً ناشی از افت تورم کالاها بوده است. در عین حال، تورم نقطه به نقطه گروه کالاها به ۱۲۱.۵ درصد رسیده و تورم سالانه این گروه نیز ۸۶.۱ درصد اعلام شده است؛ ارقامی که همچنان از تداوم فشار قیمتی بر بازار کالاها حکایت دارد.

فشار بیشتر بر دهک‌های پایین

یکی از مهم‌ترین بخش‌های گزارش مرکز آمار، بررسی وضعیت دهک‌های درآمدی است. بر اساس این گزارش، تورم نقطه به نقطه برای دهک اول درآمدی در تیرماه به ۹۹.۹ درصد رسیده است؛ در حالی که این شاخص برای دهک دوم ۸۴.۷ درصد بوده است. این اختلاف نشان می‌دهد خانوارهای کم‌درآمد بیش از سایر گروه‌ها از موج تورمی آسیب دیده‌اند؛ زیرا بخش بزرگ‌تری از درآمد آن‌ها صرف خرید کالاها و ضروری، به‌ویژه مواد غذایی، می‌شود؛ کالاهایی که بیشترین افزایش قیمت را تجربه کرده‌اند.

کاهش سرعت؛ اما در شرایطی شکننده

اگرچه کاهش تورم ماهانه را می‌توان نشانه‌ای مثبت ارزیابی کرد، اما بسیاری از اقتصاددانان معتقدند برای قضاوت درباره تغییر مسیر تورم هنوز زود است. تورم سالانه همچنان رو به افزایش است، نرخ‌های نقطه به نقطه در محدوده بسیار بالا قرار دارند و قیمت کالاها و خدمات هنوز با سرعتی بسیار بیشتر از سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

از همین رو، آمارهای تیرماه بیش از آنکه نشانه پایان بحران تورم باشند، بیانگر کاهش موقت سرعت گرانی در شرایطی شکننده هستند؛ شرایطی که در آن، هر شوک جدید به بازار ارز، بودجه دولت، قیمت انرژی یا انتظارات تورمی می‌تواند دوباره روند صعودی قیمت‌ها را تشدید کند. به همین دلیل، تداوم کاهش تورم نیازمند ثبات در سیاست‌های پولی و مالی، کنترل رشد نقدینگی و کاهش نااطمینانی‌های اقتصادی است؛ در غیر این صورت، کاهش شتاب تورم در تیرماه ممکن است تنها یک وقفه کوتاه در مسیر بلندمدت افزایش قیمت‌ها باشد.

نبض اقتصاد

تکرار سناریوی تاریک دهه ۹۰

در دولت چهاردهم

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت چهاردهم، تیر خلاص را به پیکر نیمه‌جان صنعت نیروگاهی کشور شلیک کرد. او اعلام کرد که ساخت نیروگاه جدید از دستور کار دولت خارج شده است، از استقرار حکمرانی جدیدی سخن گفت که تمرکز آن نه بر تولید، بلکه بر بهینه‌سازی و واقعی‌سازی قیمت‌هاست. این اظهارات، بازخوانی دقیق و نگران‌کننده همان دست‌فرمان فلج‌کننده‌ای است که در دولت‌های یازدهم و دوازدهم (حسن روحانی) کشور را به چاه ویل ناترازی برق انداخت. سیاستی دیکته‌شده و متأثر از الزامات غیررسمی «سند پاریس» که در دهه ۹۰ ساخت نیروگاه را متوقف کرد و کشور را از سال ۱۳۹۹ تا به امروز، با بحران خاموشی‌های زنجیره‌ای فاجعه‌بار مواجه ساخته است. در حالی که در دولت سیزدهم تلاش شد با بازگرداندن ریل ساخت نیروگاه و فعال‌سازی پروژه‌های نیمه‌تمام، بخشی از این عقب‌ماندگی تاریخی جبران شود، اکنون دولت چهاردهم در لجاجتی آشکار با واقعیت‌های میدانی اقتصاد، مجدداً به خانه اول بازگشته است. دولت چهاردهم با این استدلال که «دیگر کشورها به سمت ساخت نیروگاه جدید نمی‌روند»، می‌خواهد فرآیند توسعه زیرساخت تولید را متوقف کند؛ اما این استدلال یک فریب است. کشورهایی که ساخت نیروگاه‌های حرارتی سنتی را متوقف کرده‌اند، نخست دوران گذار صنعتی خود را طی کرده، زیرساخت پایدار انرژی را ساخته و سرانه مصرف صنعتی بسیار بالایی دارند و دوم، به صورت انبوه در حال جایگزین کردن نیروگاه‌های اتمی و تجدیدپذیر پیشرفته هستند.

در ایران، سرانه مصرف برق بخش خانگی صنعتی ما با استانداردهای توسعه‌یافتگی فاصله جدی دارد. مقایسه سرانه مصرف انرژی ایران با کشورهای صنعتی نشان می‌دهد که ما هنوز در مراحل اولیه توسعه صنعتی و نیازمند شدید انرژی پایدار هستیم. مقایسه نابجای ایران با کشورهای غربی، نادیده گرفتن بدیهیات رشد است. سالانه بیش از یک میلیون مشترک جدید به بخش خانگی افزوده می‌شود و توسعه صنایع انرژی‌بر (فولاد، آلومینیوم و سیمان) که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ پایه‌گذاری شده‌اند، تقاضای شدیدی را به شبکه تحمیل می‌کند. در چنین شرایطی، اعلام خروج ساخت نیروگاه از دستور کار، چیزی جز دعوت رسمی از خاموشی‌های گسترده‌تر در سال‌های پیش‌رو نیست.

توسعه صنعتی و رشد اقتصادی بدون مصرف برق غیرممکن است. هر درصد رشد در تولید ناخالص داخلی (GDP) مستقیماً با افزایش مصرف انرژی در صنایع رابطه تنگاتنگ دارد. دولت چهاردهم با شعار «بهینه‌سازی مصرف»، آدرس غلط می‌دهد. بهینه‌سازی در شرایطی کارآمد است که حداقل نیاز پایدار تأمین شده باشد. در حالی که عدم‌النفع ناشی از قطع برق صنایع در سال ۱۴۰۵، صدها هزار میلیارد تومان به اقتصاد ملی خسارت وارد کرده است. عزت‌اللهی سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌گوید: برآوردها نشان می‌دهد عدم‌النفع صنایع از حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ به حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده و وزارت صمت پیگیر تأمین پایدار برق صنایع است.

نسخه‌پیچی‌های بین‌المللی مانند سند تعهدات زیست‌محیطی پاریس که در دولت روحانی بدون طی کردن مراحل قانونی اجرا شد، یکی از متهمان اصلی عقب‌ماندگی ظرفیت نیروگاهی ایران است. دولت چهاردهم با تکرار همان کلیدهای «الزامات زیست‌محیطی»، در حال احیای همان ریل خسارت‌بار است. نمی‌توان با ادعای حفاظت از محیط زیست، چرخ تولید و صنعت ملی را قفل کرد، در حالی که بزرگ‌ترین آلاینده‌های جهان خود را از اجرای این اسناد شانه خالی می‌کنند. ادامه رویکرد فعلی وزارت نیرو و سیگنال‌های ارسالی از سوی سخنگوی دولت، چشم‌انداز تاریکی را برای سال‌های آینده ترسیم می‌کند، زیرا رشد تقاضای بخش خانگی متوقف نخواهد شد و نیاز صنایع به انرژی برای حفظ تولید رو به افزایش است. بدون ساخت نیروگاه‌های جدید، ناترازی فعلی در سال‌های آینده به اعدادی نجومی و غیرقابل مدیریت خواهد رسید. دولت چهاردهم با اتخاذ سیاست «ساز نیروگاه»، نه تنها ناترازی را حل نخواهد کرد، بلکه با تضعیف تولید ملی و خفه کردن صنایع، کشور را به سمت یک رکود تورمی عمیق‌تر هدایت می‌کند؛ میراثی تلخ که پیش از این در دولت دوم روحانی تجربه شده بود.

آقای همتی؛

تورم مهار شد؟

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم؛ عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، اعلام کرد که با اقداماتی که انجام داده است تورم ماهانه در ماه تیر نسبت به خرداد نصف شده است.

اما واقعیت این است که مردم این روزها اثر تورم را با جیب‌شان می‌فهمند و می‌سنجند. تورم

ماهانه خرداد توسط بانک مرکزی ۷٫۴ درصد اعلام شده بود که در ماه تیر به ۳٫۶ درصد رسیده است. تورم

نقطه‌به‌نقطه اعلام‌شده توسط بانک مرکزی ۸۴ درصد است. روزی که شهید رئیسی دولت را از همکاران آقای همتی تحویل گرفت، تورم نقطه‌به‌نقطه ۵۵٫۷ درصد بود و روزی که آقای رئیسی به شهادت رسید، تورم نقطه‌به‌نقطه به ۳۵ درصد کاهش یافته بود. آقای

همتی در همان مقطع نقش مهمی در نقد و تخریب عملکرد اقتصادی دولت سیزدهم ایفا می‌کرد. حالا دو سال بعد از تحویل دولت به جناب همتی، تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۴ درصد رسیده و عملاً زندگی مردم فلج شده است.

اتحاد آشکارواشنگتن، تل آویو و ریاض علیه مقاومت

مقاومت عراق مرحله بعدی شکست آمریکا

غرب آسیا هرروز بیش از گذشته به صحنه یک نبرد آشکارو چندلایه تبدیل می شود. نبردی که دیگر در آن از پرده پوشی های دیپلماتیک خبری نیست. صف بندی ها شفاف تر شده و ائتلاف آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی دولت های عربی حوزه خلیج فارس، دشمنی خود با محور مقاومت را بی پرده به میدان آورده اند. در مقابل نیز مقاومت در حال بازتعریف قواعد بازی است. قواعدی که از باب المندب آغاز شده و اکنون تا عراق، اردن و دریای خزر امتداد یافته است.

برای تضعیف و حذف مقاومت عراق از حدود سه ماه پیش وارد مرحله تازه ای شده بود. کاخ سفید با سپردن پرونده عراق به توماس باراک، تلاش کرد الگویی مشابه آنچه در سوریه و لبنان دنبال می شد، در بغداد نیز پیاده کند. الگویی مبتنی بر بازهمندسی ساختار سیاسی و امنیتی. اما مقاومت عراق نه تنها در برابر این فشارها ایستادگی کرد، بلکه با برگزاری مراسم باشکوه تشییع قائد شهید در نجف و کربلا، پشتوانه اجتماعی خود را نیز به نمایش گذاشت. پس از آن نیز مرحله جدیدی از آرایش های تهاجمی و آمادگی برای مشارکت فعال تر در نبردهای منطقه ای آغاز شد. روندی که از عملیات های منتسب به مقاومت علیه تأسیسات عربستان سعودی تا تلاش برای هدف قرار دادن هواپیمای بنیامین نتانیاهو پیش از سفر به آمریکا، نشانه هایی از آن دیده شد.

شطرنج غرب آسیا در مرحله جدید

اکنون مجموعه این رخدادها یک تصویر روشن را ترسیم می کند. دشمن به این جمع بندی رسیده است که پس از ناکامی در مهار یمن، باید با گشودن جبهه ای دیگر، فشار را بر محور مقاومت افزایش دهد. مشارکت مستقیم عربستان سعودی در حملات به عراق و سپس صدور بیانیه ای علیه «گروه های تحت حمایت ایران»، نشان داد که فاصله میان ادعاهای دیپلماتیک ریاض و رفتار میدانی آن، بیش از هر زمان دیگری آشکار شده است. این همان نقطه ای است که شطرنج غرب آسیا را وارد مرحله ای تازه کرده؛ مرحله ای که دیگر نه از تعارف خبری هست و نه از ابهام در صف بندی ها.

در چنین شرایطی، محور مقاومت نیز ناگزیر است متناسب با این تغییرات، همه ظرفیت های آشکار و پنهان خود را فعال کند. وقتی دشمن اراده کرده است نبرد را به سطحی فراگیر و تمام عیار ارتقا دهد، حفظ بازدارندگی تنها با اتکا به واکنش های محدود ممکن نخواهد بود. آنچه امروز در باب المندب، بغداد و حتی دریای خزر مشاهده می شود، حلقه های یک زنجیره واحد است. زنجیره ای که آینده امنیت غرب آسیا را رقم خواهد زد و هرگونه ملاحظه کاری در برابر آن، تنها ابتکار عمل را به دشمن واگذار خواهد کرد.

بیانیه هیئت حشد الشعبی، ابعاد این حمله را به روشنی ترسیم کرد. در این بیانیه آمده است که شماری از مقرهای رسمی این سازمان در مناطق مختلف عراق هدف حملات غافلگیرانه نیروهای آمریکایی و سعودی قرار گرفت که در نتیجه آن تعدادی از رزمندگان به شهادت رسیدند و شماری نیز زخمی شدند و خساراتی به ساختمان ها و تجهیزات وارد آمد. حشد الشعبی این اقدام را تشدید بی شمار خطرناک، نقض حاکمیت عراق و حمله به نهادهای رسمی امنیتی این کشور توصیف کرد؛ توصیفی که نشان می دهد هدف صرفاً یک گروه مقاومت نبوده، بلکه اصل حاکمیت عراق نیز مورد تعرض قرار گرفته است.

غافلگیری آمریکا در اردن

همزمان با این تحولات، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اجرای ضرباتی سنگین علیه پایگاه های آمریکایی در اردن، پیام مهمی را مخابره کرد. پیامی که اهمیت آن بیش از هر چیز در پیش دستانه بودن این عملیات نهفته است. براساس گزارش ها، از ساعات ابتدایی شب تحرکات عملیاتی گسترده ای در پایگاه آمریکایی در اردن رصد شده بود و نیروی هوافضای سپاه، پیش از آغاز عملیات دشمن، دست به اقدام زد. این تحول نشان می دهد معادله جدید مقاومت تنها بر پاسخ متقابل استوار نیست، بلکه عنصر بازدارندگی فعال و اقدام پیشگیرانه نیز به آن افزوده شده است. در چنین شرایطی، اظهارات دونالد ترامپ مبنی بر اینکه حمله به «شبه نظامیان» عراق با هماهنگی دولت بغداد انجام شده، بیش از آنکه یک واقعیت قطعی باشد، می تواند بخشی از جنگ روانی واشنگتن تلقی شود. هدف چنین ادعایی می تواند ایجاد شکاف میان مقاومت و افکار عمومی عراق یا القای مشروعیت برای حملات آمریکا باشد. با این حال، اگر چنین ادعایی واقعیت داشته باشد، بی تردید جامعه عراق و نیروهای سیاسی این کشور آن را بزن خواهند تابید. چرا که حمله به یک نهاد رسمی امنیتی، حساسیتی فراتر از اختلافات سیاسی داخلی ایجاد خواهد کرد.

واقعیت آن است که فشارهای آمریکا



احسان میرباقری

روزنامه نگار

تحولات روزهای اخیر نشان می دهد صفحه شطرنج قدرت در غرب آسیا وارد مرحله ای متفاوت شده است. مرحله ای که در آن مهره ها دیگر در پشت پرده حرکت نمی کنند، بلکه هر بازیگر با نام و نشان خود وارد میدان شده است. اگر تا چندی پیش برخی دولت های عربی تلاش می کردند نقش خود در پروژه های آمریکا و رژیم صهیونیستی را در پوشش میانجی گری یا دیپلماسی پنهان کنند، امروز همان پرده های نازک نیز کنار رفته است. حملات مستقیم، موضع گیری های رسمی و هماهنگی های عملیاتی نشان می دهد ائتلاف آمریکایی-صهیونیستی اکنون با همراهی آشکار برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، پروژه ای گسترده تر برای مهار محور مقاومت را دنبال می کند.

در این میان، یمن به مهم ترین بازیگر فعال میدان تبدیل شده است. کشوری که بیش از یک دهه زیرشددیدترین محاصره هوایی، دریایی و اقتصادی قرار داشت، اکنون ابتکار عمل را در دست گرفته و با اجرای محاصره متقابل دریایی علیه عربستان و حملات سنگین به زیرساخت های این کشور، جبهه ای تازه در نبرد منطقه ای گشوده است. طبیعی بود که چنین تغییری با واکنش سریع دشمن همراه شود. در فاصله ای کوتاه، دو مهره جدید وارد صفحه شدند؛ نخست، ورود اوکراین به تقابل مستقیم با ایران از طریق حمله به یک کشتی ایرانی در دریای خزر؛ اقدامی که نشان می دهد جنگ اوکراین دیگر صرفاً محدود به اروپا نیست و تلاش می شود جبهه های جدیدی علیه جمهوری اسلامی گشوده شود. دومین اقدام، حمله مشترک آمریکا و عربستان سعودی به مقرهای رسمی حشد الشعبی عراق بود. نهادی که بخشی از ساختار قانونی و امنیتی عراق محسوب می شود.



ائتلاف علیه مقاومت

اگرچه رخدادهای اخیر ظاهراً در جغرافیاهای متفاوتی روی داده اند، اما همگی اجزای یک راهبرد واحد هستند. راهبردی که هدف آن انتقال فشار از یمن به عراق و همزمان کشاندن ایران به جبهه های جدید است. از این رو، پاسخ مقاومت نیز نمی تواند صرفاً موضعی و محدود باشد. همان گونه که دشمن میدان را یکپارچه تعریف کرده است، بازدارندگی نیز تنها در قالب یک راهبرد منطقه ای و هماهنگ میان همه اضلاع محور مقاومت معنا پیدا خواهد کرد.

یادداشت

براندازی باکت وشلوار دیپلماتیک

سعید قاسمی
روزنامه نگار

سال هاست که هرگاه سخن از فشار علیه ایران به میان می آید، ذهن ها به سمت تحریم، عملیات نظامی و تهدیدهای امنیتی می رود. اما مقاله اخیر فارن افزر با عنوان «مسیر پنهان تغییر رژیم در ایران» از زاویه ای متفاوت به موضوع می نگرد؛ زاویه ای که اگرچه با ادبیات آکادمیک و واژگانی چون دموکراسی و جامعه مدنی بیان می شود، اما یادآور راهبردی است که تغییرات سیاسی را به جای اینکه از مسیر جنگ دنبال کند، از طریق دگرگونی تدریجی در ساختارهای داخلی دنبال می کند.

نویسنده این مقاله صریحاً استدلال می کند که جنگ و تحریم های فلج کننده، نه تنها جمهوری اسلامی را سرنگون نکرده، بلکه به انسجام بیشتر حاکمیت انجامیده است. در مقابل، او معتقد است کاهش تنش، رفع تحریم ها، احیای توافقی شبیه برجام و پیوند دوباره اقتصاد ایران با جهان، در بلندمدت می تواند بستر مناسبی برای رشد نیروهای دموکراسی خواه (نام تلویحی براندازان) فراهم کند. به بیان دیگر، از نگاه مقاله، آنچه از حمله با موشک و بمب میسر نشد، شاید از مسیر دیپلماسی و تغییرات اجتماعی و اقتصادی ممکن شود.

این تحلیل، ناخواسته یا آگاهانه، یادآور مقاله دیگری است که پیش تر در همین نشریه منتشر شد و استدلال می کرد برجام در عمل به شناخت بهتر ظرفیت های ایران و فراهم شدن زمینه اقدامات تهاجمی بعدی آمریکا و اسرائیل کمک کرده است. اگر آن مقاله برجام را از منظر امنیتی مفید می دانست، مقاله جدید آن را از منظر سیاسی و اجتماعی سودمند ارزیابی می کند. وجه مشترک هر دو، اهمیت توافق هسته ای به عنوان ابزاری فراتر از پرونده هسته ای است. از همین منظر، می توان این پرسش را مطرح کرد که آیا بخشی از محافل فکری آمریکا امروز به این جمع بندی رسیده اند که پروژه فشار سخت، به اندازه کافی کارآمد نبوده و باید راهبردهای کم هزینه تر و بلندمدت تر را جایگزین آن کرد؟ راهبردی که به جای فروپاشی از بیرون، بر تحول تدریجی از درون تکیه دارد و میدان اصلی آن نه جبهه نظامی، بلکه اقتصاد، جامعه و فرهنگ است.

فارغ از اینکه با این تحلیل موافق باشیم یا نه، یک نکته روشن است: در این روایت، نبرد اصلی دیگر صرفاً بر سر پرونده هسته ای یا جبهه جنگ نیست و درواقع میدان جدید نبرد بر سر آینده اجتماعی و سیاسی ایران تعریف می شود. از این رو، انتشار چنین مقالاتی را می توان نشانه ای از تغییر بخشی از ادبیات سیاست خارجی آمریکا دانست؛ ادبیاتی که دست کم در سطح نظری، بیش از آنکه بر تغییر نظام ایران از طریق حمله نظامی تأکید کند، بر تغییر شرایط داخلی و ایجاد زمینه برای تحول سیاسی در بلندمدت تمرکز دارد.

و این دقیقاً چیزی است که می توان براندازی نرم را به آن اطلاق کرد: راهبردی که به جای حمله و حتی اشغال، بر فرسایش تدریجی و تغییر موازنه های داخلی حساب باز می کند. پیش تر ریچارد نفیو نیز با تفاوت های جزئی نسبت به این مقاله به ترامپ چنین توصیه هایی کرده بود. در این چارچوب، توافقی هایی مانند برجام را می توان بخشی از یک راهبرد گسترده تر برای اثرگذاری بر آینده سیاسی ایران به شمار آورد؛ برداشتی که البته محل مناقشه است، اما نمی توان از کنار آن بی تفاوت گذشت.

یادداشت

از افسانه شکاف ترامپ - ونس تا واقعیت اتاق فرمان واحد

امیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

انتشار تصویر مشترک دونالد ترامپ، جی دی ونس و بنیامین نتانیا‌هو در کاخ سفید، فارغ از هر آنچه در جلسات پشت درهای بسته میان آنان گذشته باشد، یک پیام روشن و غیرقابل انکار دارد؛ پروژه‌ای که طی ماه‌های اخیر تلاش می‌کرد میان اضلاع اصلی مثلث واشنگتن - تل‌آویو - شکاف راهبردی ترسیم کند، بیش از آنکه ریشه در واقعیت داشته باشد، محصول خطای محاسباتی و خوش بینی مزمن جریانی است که همچنان با عینک برج‌ام و غرب‌گرایی به تحولات آمریکا و اسرائیل می‌نگرد. تأسف بارتر آنکه این برداشت به لایه‌هایی از ساختار دیپلماسی و تصمیم‌سازی سیاست خارجی ایران نیز رسوخ کرده است.

در ماه‌های گذشته، رسانه‌های آمریکایی بارها تأکید کردند که روایت اختلاف میان ترامپ و نتانیا‌هو، نوعی «اختلاف‌نمایی» برای مدیریت افکار عمومی و پیشبرد اهداف مشترک است. حتی روزنامه واشنگتن پست در گزارشی در اواخر آذر ۱۴۰۴ با اشاره به نقش استیو ویتکاف پیش از جنگ ۱۲ روزه، این نقش‌آفرینی را بخشی از یک هماهنگی میان آمریکا، اسرائیل، دیوید بارنیا رئیس پیشین مוסاد و مقامات آمریکایی توصیف کرد. با این حال، هنوز هم در داخل کشور افرادی وجود دارند که این روایت را نادیده گرفته و همچنان بر وجود شکاف راهبردی میان ترامپ و نتانیا‌هو اصرار می‌ورزند؛ برداشتی که نه با شواهد میدانی سازگار است و نه با رفتار عملی طرفین.

همین خطای تحلیلی درباره جی دی ونس نیز تکرار می‌شود. طی ماه‌های اخیر برخی تلاش کرده‌اند ونس را چهره‌ای متفاوت از ترامپ و دارای رویکردی مستقل در قبال ایران معرفی کنند؛ گویی او می‌تواند نقطه اتکایی برای تغییر سیاست‌های واشنگتن باشد. اما واقعیت دولت دوم ترامپ چیز دیگری را نشان می‌دهد. در چنین دولتی، هیچ مقام ارشدی بدون همسویی کامل با دستورکار رئیس‌جمهور امکان حضور، صعود و تثبیت موقعیت ندارد. ونس نیز از این قاعده مستثنا نیست. نه در مواضع اعلامی و نه در عملکرد سیاسی، نشانه‌ای از فاصله معنادار میان او، ترامپ و سایر اعضای تیم امنیتی و سیاست خارجی آمریکا دیده نمی‌شود. آنان پیش از هر چیز به حفظ قدرت، و پیشبرد راهبرد مشترک خود می‌اندیشند و در این مسیر اختلافی که بتواند مبنای محاسبه راهبردی قرار گیرد، مشاهده نمی‌شود. ونس روزی ترامپ را هیتلر آمریکا میخواند و اکنون او را تمجید میکند. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده است که بزرگ‌نمایی چنین شکاف‌هایی، بیش از آنکه برای مصرف داخلی آمریکا یا اسرائیل باشد، با هدف اثرگذاری بر محاسبات ایران طراحی می‌شود. مخاطب اصلی این عملیات ادراکی، محافلی هستند که فاقد درک راهبردی از سازوکار تصمیم‌گیری در واشنگتن بوده و با هر نشانه ظاهری، دچار خوش بینی سیاسی می‌شوند. تداوم این خطای محاسباتی، نه تنها تحلیل واقع‌بینانه از رفتار آمریکا را مختل می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم‌های پرهزینه‌ای شود که بر پایه توهم اختلاف در جبهه‌ای اتخاذ می‌شود.

تهدیدپذیری؛
دام مذاکرات
مخفیانه

ادعاهای ترامپ درباره مذاکرات با ایران که به آتش‌بس موقت انجامید، همراه با ریزنی‌های پشت‌پرده او با نتانیا‌هو و زلنسکی و فعالیت‌های اوکراین علیه ایران، نشان از طراحی خصمانه دارد. مذاکرات عمان با رد پیشنهادهای ایران و فشار آمریکا، زنگ خطر جنگ جدید را به صدا درآورده. مسئولان مذاکرات باید به رهنمود رهبری شهید بازگردند که مذاکره تحت تهدید را نشانه ضعف و تهدیدی بی‌پایان دانستند و آن را بن‌بست محض برای منافع ملی خواندند.

نتانیا‌هو و زلنسکی و فعالیت‌های اطلاعاتی اوکراین و نظامی علیه ایران و حمله اخیر به گروه‌های مقاومت عراق، نشان از طراحی خصمانه جدید دارد. اکنون به نظر می‌رسد مذاکرات عمان نیز زنگ خطر موج سوم جنگ را به صدا درآورده است.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

این موضوع در حالی حائز اهمیت است که در دوران پیش از جنگ تحمیلی سوم و روز ۹ اسفند نیز، به اذعان سعید لیلان در نقلی که از شهید لاریجانی کرده، آمریکا از زمان اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، علی‌رغم تمام عقب‌نشینی‌های مذاکره‌کنندگان ایرانی که با پاسخ و اعلام موضع رهبری شهید درباره بی‌فایده بودن و ضررهای زیاد مذاکره با آمریکا در مهر ۱۴۰۴ همراه شد، باز هم حاضر به قبول مذاکرات و توافق نبود و هر بار بهانه‌ای جدید می‌آورد. پوتین نیز به شکلی دیگر در اعلام داشت که ایران در هفته‌های پیش از جنگ حتی رقیق‌سازی بخشی از اورانیوم و انتقال بخش دیگری به روسیه را پذیرفته بود، اما آمریکا و اسرائیل هدف جنگی داشتند.

راه حل؛ بازگشت به نگاه راهگشای
رهبر شهید

به نظر می‌رسد در این روزها با کمال تأسف، مسئولان ارشد مذاکرات و وزارت امور خارجه تبعیت کامل از منویات رهبری شهید به عنوان معمار ایران قدرتمند فعلی، نداشته و ندارند. نگاهی به مواردی که رهبری شهید در مهر ۱۴۰۴ با مردم در میان گذاشتند، می‌تواند صحنه را مشخص‌تر کند و مسیر راه را برای مذاکره‌کنندگان و مسئولان ارشد روشن سازد و آنان را به راه درست بازگرداند. شاید مهم‌ترین بخش این سخنان آن باشد که قبول چنین مذاکره‌ای نشانه تهدیدپذیری ایران اسلامی است. ایشان در مهر ۱۴۰۴ فرمودند: «اگر با این تهدید به مذاکره بروید، معنایش آن است که در مقابل هر تهدیدی فوراً می‌ترسیم، می‌لرزیم و تسلیم می‌شویم. این تهدیدپذیری اگر به وجود آمد، دیگر انتها نخواهد داشت. امروز می‌گویند اگر غنی‌سازی داشته باشید چنین و چنان می‌کنیم؛ فردا می‌گویند اگر موشک داشته باشید؛ بعد می‌گویند اگر با فلان کشور ارتباط نداشته باشید یا داشته باشید، مدام تهدید هست و مجبور می‌شویم عقب‌نشینی کنیم. هیچ ملت

در روزهای اخیر، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا مجدداً از مذاکراتی سخن به میان آورده که به ادعای او با ایران در جریان است و ایرانی‌ها برای آن اشتیاق دارند. در سوی دیگر، دیدارها و رایزنی‌های پشت درهای بسته ترامپ با ولودیمیر زلنسکی و بنیامین نتانیا‌هو نشانگر آن است که محور شیطان‌ی ترامپ - نتانیا‌هو با اضافه‌شدن زلنسکی، در حال طراحی‌های خصمانه جدید علیه ایران و محور مقاومت است. اذعان مقامات عراقی به فعالیت سرویس اطلاعاتی اوکراین در این کشور علیه ایران و نیروهای مردمی عراق، و همچنین حمله اوکراین به کشتی در مسیر تجاری ایران، نمونه‌های روشن این طراحی هاست. در این زمینه ترامپ روز چهارشنبه صراحتاً از تشدید حملات به محور مقاومت و همچنین ایران سخن گفت.

اختلاف زرگری ترامپ و نتانیا‌هو

همان‌گونه که واشنگتن پست در اواخر آذر ۱۴۰۴ اشاره داشت و همچنان ادامه دارد، دعوای رسانه‌ای و القای اختلاف میان ترامپ و نتانیا‌هو یک دعوی زرگری به قصد فریب ایران بوده و هست. فریب‌خوردن مذاکره‌کنندگان ارشد کشور در این خصوص، قطعاً آسیب‌های بیشتری به مملکت وارد خواهد ساخت و تجربه تلخ گذشته را تکرار خواهد کرد.

در این خصوص روایت غریب‌آبادی از مذاکرات جاری با عمان نیز در همین راستا قابل تحلیل است. در پشت تیم عمانی، قطعاً نظر آمریکایی حاکم است. صحبت از اخذ عوارض «داوطلبانه» زیست محیطی یا بازگشایی کریدور عمانی در حالی مطرح می‌شود که کلیه پیشنهادهای ایران رد می‌گردد. این روند نشان می‌دهد آمریکا در صدد شروع موج سوم و جدید جنگ با ایران در دوران پسا‌اسفند، پس از نبرد ۴۰ روزه و نبردهای اواخر تیر و اوایل مرداد میان ایران و آمریکا است.

این همه تمرکز روی ترویج بدحجابی طبیعی است؟

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

در روزهایی که کشور همچنان درگیر مسائل امنیتی است انتظار می‌رود اولویت بسیاری از فعالان رسانه‌ای و فرهنگی، تقویت انسجام ملی و تمرکز بر مسائل راهبردی باشد. با این حال، همچنان افرادی هستند که گویا مأموریت اصلی خود را زنده نگه داشتن مناقشه حجاب و عادی‌سازی بی‌حجابی قرار داده‌اند؛ رفتاری که این پرسش را ایجاد می‌کند که چرا درست در چنین شرایط حساسی، این موضوع با چنین اصراری دنبال می‌شود؟

برای مثال در پنج ماه گذشته و در تجمعات شبانه مردم مبعوث، برخی افراد با دوربین در میان جمعیت به دنبال زنان بی‌حجاب می‌گشتند تا مصاحبه‌های هدفمند تهیه کنند و تصویری خاص از فضای اجتماعی کشور به نمایش بگذارند. اکنون نیز یکی از همین چهره‌ها به لبنان سفر کرده و به جای پرداختن به مقاومت و ایستادگی مردم غیور و دلیر جنوب لبنان در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی، مسئله حجاب را دستمایه مقایسه میان حزب‌الله جمهوری اسلامی قرار داده و مدعی شده است که حزب‌اللهیاری در این زمینه ندارد. نتیجه منطقی چنین مقایسه‌ای علاوه بر اینکه قیاس بچه‌گانه و ساده‌لوحانه‌ای است و اساساً مردود و معدوش به نظر می‌رسد، چیزی جز التقای این گزاره نیست که جمهوری اسلامی باید از اجرای قوانین مربوط به حجاب دست بکشد.

این در حالی است که واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد موضوع حجاب در وضعیت کنونی، عملاً با تساهل و رهاشدگی قابل توجهی مواجه است و آن تصویر سخت‌گیرانه‌ای که این افراد القا می‌کنند، با واقعیت فاصله دارد تا جایی که خیابان‌ها بعضاً رنگ و بوی اتاق شخصی برخی بانوان را گرفته است، بنابراین این پرسش مطرح می‌شود این همه اصرار بر پرداختن به این موضوع از کجا نشأت می‌گیرد؟ چرا همچنان از هر فرصت داخلی و خارجی برای بازتولید این دوگانه استفاده می‌کنند و حرام شرعی را به بهانه‌های واهی حلال جلوه می‌دهند؟ آیا هدف صرفاً بیان یک دیدگاه فرهنگی است یا پیگیری پروژه‌ای برای تغییر تدریجی هنجارهای فرهنگی و دینی جامعه؟ تأمل برانگیزتر آنکه برخی از این افراد، خود یا نزدیکانشان سال‌ها در مسئولیت‌هایی در جمهوری اسلامی حضور داشته‌اند و امروز در جایگاهی ایستاده‌اند که عملاً همان مطالباتی را تکرار می‌کنند که رسانه‌های معاند سال‌ها برای تحقق آن هزینه کرده‌اند. رهبر شهید انقلاب نیز پیش‌تر هشدار داده بودند که کاری را که دشمن با صرف هزینه‌های فراوان نتوانست در موضوع حجاب به سرانجام برساند، ممکن است برخی خواص، آگاهانه یا ناآگاهانه، دنبال کنند. این هشدار امروز بیش از هر زمان دیگری شایسته تأمل است.

در حال حاضر فیلم‌هایی وارد چرخه اکران شده‌اند که ارتباطی با شرایط عینی کشور ندارند و در راستای منافع کاسبان عادی‌سازی‌اند

همه علیه ایران

وقتی با نمایش آخرین اثر بخش خارج از مسابقه، چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر به اتمام رسید برای منتقدان و کارشناسان حوزه سینما به‌روشنی مشخص شد که سال ۱۴۰۵ ایام خوبی برای این



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

اکنون دو فیلم استخر و زنده‌شور برای سروسامان دادن به وضعیت بحرانی اقتصاد این مדיوم وارد گود شده‌اند که تا اینجا ی کار ایرادی وارد نیست؛ نقد و ایراد از جایی شروع می‌شود که بفهمیم این آثار نه تنها هیچ نسبتی با شرایط حال حاضر کشور ندارند و انتزاعی‌اند، بلکه مضمون آن‌ها هم به شکل واضحی در راستای عملیات عادی‌سازی، تحمیق و تخریر ملت کار می‌کنند. همه این‌ها در حالیست که سینمای جریان اصلی آمریکا در مواقع حساس هم‌راستا با سیاست‌های کاخ سفید آرایش نظامی می‌گیرد.

پیش از ورود به بحث اصلی باید بگوییم که استخر ساخته سروش صحت، یک فیلم تخریری، بی‌قید، فاقد معنا و دربردارنده پوچی زندگی است که گاردش را در برابر مشکلات و معاییی که دنیای مدرن برای‌مان به‌وجود آورده باز می‌گذارد و نسخه تسلیم از خود صادر می‌کند.

وضعیت زنده‌شور اما از این هم بدتر است، این فیلم در اصطلاح می‌خواهد در مورد بخشش باشد، ولی به اثری ضد حکم قصاص تبدیل شده و با زبان بی‌زبانی در حال تئوریزه کردن مخالفت با احکام الهی است؛ اقدامی که استارت آن سال‌ها پیش توسط جبهه ملی زده شد و در تمام این ایام با قدرت ادامه پیدا کرده است. همه این موارد در حالی رقم می‌خورد که وقتی به تاریخ سینمای آمریکا نگاه می‌اندازیم متوجه می‌شویم که فیلمساز جماعت در مواقع استثنایی دست از مخالفت و لگد پراندن برمی‌دارند و در راستای حفظ پرچم و قدرت نمادین کشورشان آثاری را برعلیه دشمن تولید می‌کنند؛ به‌طوریکه سینمای هالیوود در دوران جنگ سرد (۱۹۴۷-۱۹۹۱) به‌عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای قدرت نرم و ماشین تبلیغاتی سیاسی ایالات متحده عمل کرد.

جایگاه خود، دقیقاً از همان الگویی استفاده می‌کند که هالیوود طی دهه‌ها برای تسلط بر بازار جهانی به کار گرفته بود، یعنی سرمایه‌گذاری سنگین، تولید آثار پرزرق‌وبرق، تکیه بر ستاره‌های شناخته‌شده و خلق ژانرهایی با قابلیت جذب مخاطب جهانی. تیغه‌های نگهبانان نیز با تلفیق سینمای رزمی سنتی چین و کهن الگوهای وسترن، فرمولی را به کار گرفته که زمانی یکی از مهم‌ترین ابزارهای نفوذ فرهنگی آمریکا بود.

به بیان دیگر، پکن به جای مقابله مستقیم با قواعد هالیوود، همان قواعد را با هویت و روایت بومی خود بازتولید کرده است. اگر روزگاری آمریکا از طریق وسترن، ابرقهرمان‌ها و بلاک‌باسترها روایت خود را به جهان صادر می‌کرد، امروز چین نیز با اتکا به اسطوره‌ها، تاریخ و فرهنگ خود و در قالب تولیدات عظیم، در حال ساختن نسخه‌ای شرقی از همان مدل است؛ مدلی که می‌تواند سهم چین از بازار و نفوذ فرهنگی جهانی را به شکل محسوسی افزایش دهد.

حوزه و دست‌اندرکارانش نیست. شیپور جنگ که از طرف رفقای باند اپستین نواخته شد وخامت اوضاع ابعاد دیگری هم پیدا کرد و سینما برای رسیدگی به دخل و خرجش به تب و تاب افتاد.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ پنجشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۵۱

یادداشت

معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی برگزار شد

علی نقدی
روزنامه‌نگار

با انتصاب‌های جدید در سازمان سینمایی و جابه‌جایی‌های ناگهانی در سطح معاونت‌ها، به نظر می‌رسد حواشی فیلم سینمایی «مراقب» (با نام بین‌المللی «خانه‌ای در حال سقوط») سرانجام به بهای برکناری معاون ارزشیابی و نظارت تمام شده است. طی حکمی از سوی رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، روح‌الْحسینی از این سمت حساس کنار رفت و به معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی منتقل شد تا سیدمهدی طباطبایی‌نژاد به‌عنوان معاون جدید ارزشیابی و نظارت معرفی شود.

اگرچه در متن احکام رسمی به دلایل این جابه‌جایی اشاره‌ای نشده، اما توالی رویدادها گمانه‌زنی‌ها درباره ارتباط مستقیم این تغییر با پرونده محسن قرایی را تقویت کرده است.

قرایی، کارگردان فیلم «مراقب»، در همان لحظات ابتدای جنگ، مواضع ضدملی و موهنی در فضای مجازی اتخاذ کرد که با واکنش‌های شدیدی روبه‌رو شد با این حال، در شرایطی که انتظار می‌رفت سازمان سینمایی موضعی قاطع در قبال این رفتارها اتخاذ کند، تلاش عده‌ای برای هموار کردن مسیر بازگشت او به سینما و حضور فیلمش در جشنواره‌های بین‌المللی ماند و نیز، مورد انتقاد شدید رسانه‌های انقلابی قرار گرفت.

نکته کلیدی که به این حواشی دامن زد، توجیه نخ‌نمای «هک شدن صفحه اینستاگرام» برای فرار از مسئولیت این مواضع بود؛ رویکردی مضحک که توهین به شعور جامعه و فرار از پاسخگویی است. انفعال معاونت ارزشیابی و نظارت در برخورد با این سناریوی تکراری و اجازه دادن به چنین چهره‌هایی برای دور زدن قانون، فشارها را بر روح‌الْحسینی به اوج خود رساند.

در نهایت، ناتوانی در مدیریت این بحران رسانه‌ای و اصرار بر تسامح در برابر کارگردانی که آشکارا موضعی علیه امنیت کشور داشته، به این خانه‌تکانی ناگهانی منجر شد. حال باید دید طباطبایی‌نژاد در قامت معاون جدید، دوران «بزن درویی» سلبریتی‌ها به پایان می‌رسد یا نه. مدت‌هاست که سلبریتی‌ها هم‌زمان با نشستن پای سفره مردم، در بزنگاه‌ها کشورفروشی می‌کنند و آنها هم به راحتی از آسایش‌شان می‌افتد؛ روند غیرقابل‌تحملی که می‌تواند تبعات خطرناکی برای کشور داشته باشد.